



کنسرت کیهان کلهر در کره جنوبی

کنسرت کیهان کلهر در پانزدهمین جشنواره جهانی موسیقی مرکز فرهنگ آسیایی، دهم شهریورماه در کره جنوبی برگزار می‌شود. در این کنسرت کیا طلیسیان (نوازنده سه‌تار) و نوید افقه (نوازنده تنبک) در گوانگجو کره جنوبی، کیهان کلهر را همراهی خواهند کرد. پانزدهمین جشنواره‌ی جهانی موسیقی مرکز فرهنگ آسیایی، یک رویداد موسیقی فراتر از ژانرها و مرزهاست. این جشنواره با طیف گسترده‌ای از اجراها، از گروه کیم چانگ وان که نماینده‌ی تاریخ موسیقی محبوب کره است، تا استادان موسیقی ایرانی که اجرای سه‌نفره‌ی کیهان کلهر است، برگزار خواهد شد. کیهان کلهر و کیا طلیسیان پیش از این در آلمان، هلند و کانادا اجرای مشترک داشته‌اند. کلهر در سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای کرمانشاهی در تهران متولد شد و ۱۲ ساله بود که به‌صورت حرفه‌ای به موسیقی پرداخت. او مدتی کوتاه با گروه «شیدا» در مرکز هنری «چاوش» همکار بود. در ۱۷ سالگی مقیم ایتالیا شد، سپس به نیت ادامه‌ی تحصیل راهی کانادا شد و در رشته‌ی آهنگسازی از دانشگاه کارلتون اتاوا فارغ‌التحصیل شد.



اولین جشنواره آسمان در مهاباد

اولین دوره جشنواره فیلم، فیلمنامه و عکس «آسمان» با رویکردی هنری، گردشگری برگزار می‌شود. این جشنواره با دبیری فیلمساز مهابادی، ابراهیم سعیدی در روزهای ۱۸ تا ۲۱ شهریورماه ۱۴۰۳، هم‌زمان با روز ملی سینما در پلازای میدان منگوران شهر مهاباد، به‌صورت روباز برگزار خواهد شد. به همین مناسبت گالری دائمی هنرهای تجسمی «آسمان» در محل تالار وحدت شهرداری مهاباد، با برپایی نمایشگاهی از آثار انور یوسفی، هنرمند پیشکسوت عکاس مهابادی، همچنین تعدادی از اساتید عکاسی کردستان از جمله جمشید فرچوند فردا، ابراهیم علیپور، منصور محمدی، ژاله بهرامی، میکائیل بایزیدی و... افتتاح شد. هم‌زمان در این رویداد هنری، مراسم بزرگداشتی برای یک عمر تلاش و فعالیت انور یوسفی برگزار شد. در این مراسم، فیلم کوتاه مستندی از یک عمر تلاش این هنرمند پیشکسوت در ثبت آثار برجسته‌ی عکاسی از زندگی مردم مهاباد و روستاهای اطراف آن در دهه‌های ۵۰ شمسی به نمایش درآمد.



سیگورنی ویور شیر طلای ونیز را گرفت

هشتادویکمین دوره جشنواره ونیز با حضور چهره‌های مطرح، کار خود را آغاز کرد و پیش از آنکه کارش را با اولین اکران جهانی «بیتل جوس بیتل جوس» تیم برتون شروع کند، سیگورنی ویور را در مرکز توجه قرار داد و با بازیگر فیلم‌های «بیگانه»، «اوتار» و «گوریل‌ها در مه» به‌افتخار ۲۵ سال فعالیتش، با اهدای جایزه شیر طلایی تجلیل کرد. ویور هنگام دریافت جایزه گفت: مطمئنم دارم خواب می‌بینم. او از دریافت شیر طلایی ونیز به‌عنوان حیرت‌انگیزترین افتخاری که می‌تواند تصور کند، یاد کرد. قبل از اعطای جایزه، یک پیام ویدئویی غافلگیرکننده از سوسو جیمز کامرون پخش شد. کامرون، کارگردان «اوتار» با بازی ویور بیان کرد، این از امتیاز باورنکردنی بر خود را است که چندین بار در طول سال‌ها با ویور کار کرده و این همکاری با فیلم «بیگانگان» در سال ۱۹۸۵ شروع شد که او برای آن، نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین بازیگر زن شد.

# بادشاه وسترن

سینمای جهان

## به مناسبت پنجاه و یکمین سالروز درگذشت جان فورد



زینب کاظم‌خواه خبرنگار حوزه فرهنگ

امروز بیش از ۵۰ سال است که از درگذشت استاد مسلم فیلم‌های وسترن جان فورد می‌گذرد؛ کارگردانی که با فیلم‌های صامت شروع کرد، مُهر خود را بر آن‌ها زد، بعد پا به عرصه‌ی فیلم‌های وسترن گذاشت و آن را احیا کرد. او پادشاه مسلم قلمرو فیلم‌های وسترن بود، آن هم در روزگاری که تجهیزات سینمایی مثل امروز پیشرفته نبود. در این مطلب به بررسی زندگی جان فورد و فیلم‌هایش می‌پردازیم و در کنار مطالب نگاشته‌شده، بخش‌هایی از این مطلب از سایت جایزه‌ی گلدن گلوب برداشته شده است.

سال‌ها قبل وقتی از اورسن ولز سوال شد سه کارگردان برترش را نام ببرد، او جواب داد: «جان فورد، جان فورد و جان فورد». از قرار معلوم اورسن ولز وقتی برای ساختن «همشهری کین» آماده می‌شد، فیلم کلاسیک «دلچیان» فورد را بیش از ۴۰ بار دیده بود. امروز جان فورد هنوز به‌عنوان یکی از بهترین کارگردان‌ها در آمریکا و در کل تاریخ فیلمسازی به حساب می‌آید. استیون اسپیلبرگ در مستند جان فورد گفت: «من سعی می‌کنم قبل از هر فیلم، یک یا دو فیلم جان فورد را تماشا کنم؛ زیرا به من الهام می‌دهد و طوری که او از دور بینش برای ثبت تصاویر استفاده می‌کند و نحوه‌ی کادربندی‌اش در داستان‌سرایی، بسیار تحسین‌برانگیز است.» اینگمار برگمان او را به‌عنوان «بزرگ‌ترین کارگردان در جهان» می‌دانست. فرانک کاپر او را «شاه کارگردان‌ها» می‌نامید و آکیرا کوروساوا درباره‌اش می‌گفت: «من از ابتدا برای جان فورد احترام قائل بودم. لازم‌به‌گفتن نیست که به‌دقت کارهایش را دنبال می‌کردم و فکر می‌کنم که تأثیر زیادی روی من گذاشته‌باشد.»

جان مارتین فینی (مشهور به ششین برای والدین مهاجر ایرلندی‌اش) در ۱۸۹۴ در کیپ الیزابت، ایالت مین متولد شد. پدرش جان آگوستین فینی، یک سالن دار و عضو انجمن شهر بود و مادرش باربارا کورن، زنی خانه‌دار. جان چند برادر بزرگ‌تر از خودش داشت که آن‌ها را ستایش می‌کرد و در یک جامعه‌ی ایرلندی مدرسالر، مشروب‌خوار و پرتازری بزرگ شد. در ۱۹۱۴ جان از برادر بزرگش تقلید کرد که برای هالیوود نامش را به «فرانسیس فورد» تغییر داده بود، فرانسیس در هالیوود در دوران فیلم‌های صامت بازیگری و کارگردانی می‌کرد. جان نامش را به «جک فورد» تغییر داد و فرانسیس از او به‌عنوان دستیار، تأسیسات‌چی، بدلکار و بازیگر استفاده کرد. فرانسیس بین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ به او در ۱۵ فیلمش نقش داد. طی چند سال،

# از نظر سیاسی همیشه چپ

## همکاری فورد با جان وین که راست افراطی بود از معماهای بزرگ تاریخ سینماست



الکساندر آوانسیان منتقد سینما

استودیو برای اجرای کاهش دستمزدها و اصلاحات قراردادی در اوج رکود بزرگ، در کنار فرانک کاپرا همه‌ی بزرگی علیه نظام حاکم بر هالیوود به‌راه انداخت که تا تعطیلی مراسم اسکار در یک‌شب مانده به اجرا پیش رفت و در پی مذاکرات ناموفق بین تولیدکنندگان و اتحادیه‌های منفعت‌طلب هالیوود به درخواست فورد، انجمن نویسندگان و کارگردانان پیام‌های مشابهی را برای تحریم اسکار منتشر کردند. در شب مراسم، برندگان مانند جان فورد و دادلی نیکولز به‌طور علنی از حضور در مراسم خودداری کردند.

فیلم «خبر چین» در این دوره تولید شد، هر چند فورد مستقیماً سیاسی کاری نمی‌کرد، اما مضامینی چون سقوط اخلاقی رابه‌روشنی در فیلم واکاوی می‌کند. فورد هرگز در بازی سیاسی روی پرده‌ی نقره‌ای، اسیر پیگمالیون‌های خودش نشد. استراتژی سکوت در برابر تمام برچسب‌های سیاسی و در نوشته‌های منتقدان، در آخر فورد را جدا از بازی‌های سیاسی قرار داد. البته برگ برنده‌ی دیگر فورد در کنار اجتناب از جواب‌های سراسرست سیاسی در گفت‌وگوها، تن‌زدن همیشگی او از این موضوع بود که به‌عنوان یک هنرمند خطاب شود و همین هم بیشتر باعث سردرگمی منتقدانش می‌شد که می‌گفتند، وقتی فورد خودش را به‌عنوان یک هنرمند قبول ندارد، نمی‌توان گفت که به کدام تفکر سیاسی نزدیک‌تر است. فورد بسیار صریح و قاطع از برنامه‌ی توسعه‌رئیس جمهور روزولت دفاع کرد، برنامه‌ی با اسلم نیویدل که موج ایده‌های نوین سیاسی و اجتماعی

حرفه‌ی کارگردانی فرانسیس فورد به پایان رسید و جک فورد به‌عنوان بازیگر دست از کارش کشید و جان فورد کارگردان شد. او در ۱۹۲۴ «اسب آهنین»، اولین فیلم وسترن و اولین شاهکارش را کارگردانی کرد. براساس کتاب «جان فورد: یک مرد و فیلم‌هایش» نوشته‌ی تاگ کالاجر، این فیلم که داستان ساخت راه‌آهن بین‌قاره‌ای را به تصویر می‌کشد، به‌دلیل تدارکاتش از جمله پنج هزار سیاهی لشکر، دو هزار ریل راه‌آهن، یک هنگ سواره‌نظام، ۸۰۰ سربوست، ۱۳۰۰ یوقالو، دو هزار اسب، ۱۰ هزار گاو و ۵۰ هزار ادوات صحنه از جمله دلچیان، سختی‌های زیادی داشت. هیچ فیلمنامه‌ای وجود نداشت. فورد شب‌ها می‌نشست و می‌نوشت و روز، فیلمبرداری می‌کرد و مدیران فاکس را نادیده می‌گرفت که تلگراف‌های بی‌پایانی را می‌فرستادند و خواهان پاسخ بودند. این فیلم، موفقیت‌آمیز بود و بیش از دو میلیون دلار در سراسر جهان به‌دست آورد که یکی از سودآورترین فیلم‌های آن دهه بود.

شروع همکاری با جان وین

اولین فیلم ناطق فورد «مادر مکری» در ۱۹۲۸ بود که آهنگی جلوی دوربین خواننده می‌شود، همچنین جان وین را به‌عنوان سیاهی لشکر نشان می‌دهد. چند فیلم بعدی که از جمله کم‌دی‌ها و درام‌ها بودند، ستاره‌های بزرگی مانند رونالد کولمن، هلن هیز، بوریس کارلوف، ویکتور مک‌لاگن، ویل راجرز و ادوارد جی. رابینسون در آن به ایفای نقش پرداختند و در کم‌دی «بالای رودخانه» در سال ۱۹۳۰، اسپنسر تریسی و همفری بوگارت بازی کردند که هر دو اولین بازی‌شان بود. فورد با کارگردانی درام‌های «زندانی جزیره‌ی کوسه» (۱۹۳۶) و «اماری اسکاتلند» (۱۹۳۶) که در دومی کاترین هپبورن بازی می‌کرد - که فورد رابطه‌ی شش‌ماهه‌ی پرشوری با او داشت - و «توفند» (۱۹۳۷)، به کارگردانی‌اش ادامه داد. او با شریلی تمپل در «وی ویلی وینکی» (۱۹۳۷) و با گری کوپر در «ماجراهای مارکو پولو» (۱۹۳۸) کار کرد و بعد پس از ۱۵ سال، به کارگردانی اولین فیلم وسترنش یعنی «دلچیان» رسید که سرانجام جان وین را به‌عنوان ستاره‌اش انتخاب کرد. وین تا آن زمان حدود ۴۰ فیلم وسترن بازی کرده بود، اما هنوز نتوانسته بود نامی برای خود دست‌وپا کند. فورد با وجود مخالفت‌های استودیو (آن‌ها جوئل مک‌کرا را می‌خواستند) اصرار داشت که با وین کار کند و این گونه همکاری ۳۵ ساله‌ی آن‌ها که شامل ۲۴ فیلم بود، شروع شد. کلیر ترورر بیشترین دستمزد را گرفت و وین بعد از او بود. پیتر بوگدا نپوچ با حضور در کالج هیلز دبل، داستانی را درباره‌ی آن دو بازگو کرد: «وین یک‌بار به من درباره‌ی پاسخ به فورد درباره‌ی «دلچیان» گفت. آن فیلم از او ستاره‌ی بزرگی ساخته بود. بعد از اینکه وین را شش‌ماهه‌ی فیلم را برای اولین بار دید، فورد از او پرسید آیا خودش را در فیلم دوست دارد. وین شانه‌بالا انداخت و گفت: «خب می‌دونید که این چیه؟ من فقط شما رو بازی کردم». بسیاری از رفتارهای این دو شبیه هم بود به‌خصوص طوری که دست‌ها و بازوهای‌شان را حرکت می‌دادند و حرف می‌زدند. نوع راه رفتن معروف جان وین، شبیه راه رفتن جک فورد بود. شخصیت خشن وین روی پرده‌ی سینما، مثل فورد در زندگی واقعی بود.»

احیای فیلم وسترن

«دلچیان» فیلمی مهم بود که وسترن را احیا کرد که با ظهور فیلم‌های ناطق از رونق افتاده بود، این فیلم بیش از یک میلیون دلار در سال اول فروش کرد. فیلم هفت نامزدی اسکار از جمله برای بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را دریافت کرد. همکاری فورد با هنری فوندا در چند فیلم ادامه داشت. «آقای لینکلن جوان» و «طبل‌ها با چرخش پا» (اولین فیلم رنگی فورد)، هر دو در ۱۹۳۹ اکران شدند، به‌دنبال آن «خوشه‌های خشم» در ۱۹۴۰، دومین جایزه اسکار کارگردانی را برای فورد به‌ارمغان آورد. «سفر دریایی طولانی به‌خانه» در ۱۹۴۰ و یک فیلم غیروسترن با بازی وین به‌نام «جاده تنباکو» در ۱۹۴۱ و «چه سرسبز بود دره‌ی من» (۱۹۴۱)، یک دوران پر بار در زندگی فورد بود. فیلم سوم برایش سومین جایزه‌ی اسکار کارگردانی و دومین جایزه‌ی اسکار در دو سال راه را به ارمان آورد. در جنگ جهانی دوم، هنگامی که ایالات‌متحده به جنگ جهانی دوم پیوست، فورد به‌عنوان یک فرمانده به نیروهای ذخیره‌ی نیروی دریایی آمریکا پیوست و رئیس واحد عکاسی برای دفتر خدمات استراتژیک شد. دو فیلم مستندی که در دوران خدمتش ساخته‌شده بود، برنده‌ی اسکار شدند. فورد در روز دی یا همان پیاده‌سازی‌های نرماندی که بزرگ‌ترین حمله‌ی دریایی در تاریخ بود، در ساحل اوماها حضور داشت. او پس از جنگ جهانی دوم در نیروهای ذخیره‌ی نیروی دریایی ماند و با درجه‌ی در یادار پشت‌جبهه از خدمت خارج شد. او در این دوران «نبرد میدوی» (جایی که فورد وقتی در حال فیلمبرداری بود، با یک ترکش بازویش مجروح شد) و «هفتم دسامبر» را ساخت که هر دو جایزه‌ی اسکار برد.

مشتی که فورد نثار هنری فوندا کرد

«کلمنتاین عزیز من» (۱۹۴۶)، دوباره با هنری فوندا، بعد از جنگ ساخته شد و

بود برای گذار از رکود بزرگ، که یک‌دهه ادامه داشت. در این دوران دولت فدرال برنامه‌های اصلاحی خود را آغاز کرد که به تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی در آمریکا انجامید. فورد در این دوران فیلم‌های مطرحی چون «آقای لینکلن جوان»، «دلچیان» و «خوشه‌های خشم» را روانه‌ی اکران کرد. در لینکلن و تلاش دارد سیاست‌های لینکلن و روزولت را هر چند در بسترهای مختلف اما در یک راستا نشان دهد. «دلچیان» تأکیدی است بر شرافت اخلاقی یک قهرمان و در «خوشه‌های خشم» آنچه مهم است، نمایش خانواده و برای مبارزان ضدفاشیسم در اسپانیا شرایط موجود در درون و بیرون از پرده‌ی سینماست.

فورد با سیاست‌شنان ریسیم پیوند خورد و برای مبارزان ضدفاشیسم در اسپانیا کمک‌هایی را ارسال کرد و در سمت جمهوری خواهان ایستاد و در نامه‌ای جنجالی به مبارزان ضد فاشیسم نوشت: «از نظر سیاسی، من یک سوسیالیست دموکرات قطعی هستم؛ همیشه چپ.» در سال‌های بعد به‌خاطر همین جمله، فورد حتی متهم به جاسوسی شد که البته سکوت مطلق فورد و عدم ارائه‌ی حتی یک مدرک معتبر، این تهمت را به‌دست باد و فراموشی سپرد. در کتاب «پاپی؛ زندگی جان فورد» نوشته‌ی دن فورد، مسائل این چنینی را خیال‌پردازی‌های تهوع‌آور رقیبان فورد تلقی کرده است. فورد در دوران سیاه‌مک‌کاریتسم که همکاری‌اش پشت‌پشت در جنبه‌ی بیکاری و بی‌پولسی غوطه می‌خوردند با صدای بلند اعلام کرد: «آن حرام‌زاده‌های کمونیست را برای من بفرستید، من استخدام‌شان می‌کنم!». خب این برای فورد بسیار گران تمام شد.

از طرف دیگر همکاری فورد با جان وین که در طرف جناح راست بود و به‌صورت بسیار افراطی از آن‌ها دفاع می‌کرد از معماهای بزرگ تاریخ سینما به حساب می‌آید. وین به گواه تاریخ، در خارج از جهان سینما انسان قابل‌تحملی نبود، ولی اسطوره‌ی وین بی‌حضور فورد شکل نمی‌گرفت و برعکس این موضوع هم صادق است. در همان حال فورد به یکی از قوانین مهم حضور در انجمن و

عکس: Image